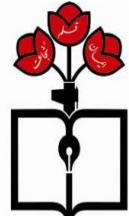


الْغَلَبَةُ



سازمان بسیج دانش آموزی

بسمه تعالیٰ



جمهوری اسلامی ایران



بسم رَبِّ الْعَالَمَاتِ وَالْحَسَنَيْنِ

فرانزی از زندگی نامه و وصیت نامه طلبہ

شہید رضا فیروز

*تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۵/۵

*تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۷/۳۰

* محل دفن: دولت آباد

* محل شهادت: سر دشت

شهید رضا فیروز در شهر دولت آباد از توابع تربت حیدریه متولد شد.

پدر شهید می گوید: در شب تولد وی سیدی مهمان ما بود، او مولود را در آغوش گرفت و اذان و اقامه در گوشش خواند و دعا کرد که او عاقبت به خیر باشد.

رضا پیش از دبستان قرآن خواندن را فرا گرفت و سال های اول و دوم دبستان را در یکسال تمام کرد، پس از به اتمام رساندن دوره متوسطه در حوزه به تحصیل پرداخت.

این پسر خداشناس و مومن یک بار بدون اجازه پدر و مادرش به شهری دیگر مسافت کرد و پس از برگشتن چون احساس کرده بود پدر و مادرش از مسافت وی رضایت نداشتند قضای نماز های مسافت را به جا آورد.

با معلمین خود روابطی دوستانه داشت و سعی می کرد غذای آنها را از منزل پدر و مادر تامین کند اوقات فراغت را به مطالعه و کمک به پدر در کارهای کشاورزی می گزراند، چون به سن نوجوانی رسیده بود تمایل داشت مرغداری و دام داری احداث کند، در همین دوران شب ها در مسجد تفسیر قرآن می گفت و همراه دعای توسل به مداعی اهل بیت مشغول می شد، گاهی مشکلات خود را از روحانی محل می پرسید.

این روحانی عزیز و اولین شهید دولت آباد روحیه شهادت طلبی داشت و خوب مردن را شرط دنیا و آخرت می دانست.

در سال ۱۳۶۰ عازم جبهه شد و پس از ۴۵ روز ترکش به بازویش اصابت کرد و مجروح شد، در بیمارستان اهواز و یک هفته در بیما رستان شیراز بستریشد.

این شهید گران قدر در ۱۳۶۲/۷/۳۰ در کر دستان حین مبارزه با کردها در عملیات والفجر ۴ در ارتفاعات سردشت براثر اصابت گلوله به پیشانی به آرزوی قلبی خود که شهادت بود رسید. بدن این شهید بزرگوار پس از تشیع در مزار شاه عبد الحکیم شهر دولت آباد به خاک سپرده

شد.

بسم الله الرحمن الرحيم

با درود به پیشگاه بقیه الله الاعظم ارواحنا لمقدمه الفدا وسلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی.
پدر و مادر گرامی، امشب تاسوعای حسینی است و قرار است فردا به عملیات برویم. چند کلمه ای با عنوان وصیت نامه می نویسم. بداینید که جهان کفر در مقابل جهان اسلام قرار گرفته است
و از هر سو برای پاره کردن پیکر اسلام دست به دست هم داده اند. شهدا با رفتشان بار سنگینی بر دوش ما نهادند. آمده باشید همت بسته و این بار را تا سر حد فنای خود به دوش کشید. مبا دا بی اعتنا باشید که گناهی بزرگ است.

پدر جان، اگر شهادت که فخر اولیاء الله است نصیب این حقیر گنه کار شد نارا حت نباشد، که بهترین ثمره را از عمر تان برداشت کرده اید. از مال و ومنال دنیا چیزی جز چند جلد کتاب ندارم اگر در دولت آباد کتا بخانه ای عمومی وجود دارد یک سوم آنها را به کتابخانه هدیه کنید. یک سوم پولی که بسیج برای خدمتم میدهد به جبهه کمک کنید و اگر خواستید همه اش را کمک کنید بهتر است.

((خداها، خداها تما اغلاّب عدوی حسینی را نگه دار))

رو حسنه شاد و پیادش کے امی بار